

گزارش

حکایت طالبان از مرگ بن لادن

■ معاون رهبر طالبان پاکستان می‌گوید: اسامه بن‌لادن در زمان تلاش نیروهای آمریکایی برای دستگیری‌اش، جلیقه بمب‌گذاری شده خود را منفجر کرد.

به گزارش ایسنا، ولی الرحمن المحسود، معاون رهبر طالبان پاکستان و فرمانده گروه طالبان در بخش قبیله‌ای وزیرستان جنوبی، در سخنانی که از سوی شبکه العربیه منتشر شد، گفت: من مطمئن هستم که اسامه بن‌لادن، رهبر سابق القاعده، کشته شده اما علت عدم انتشار تصویری از جسد او از سوی آمریکا براساس اطلاعات ما این است که وی طی حملات آمریکا و تلاش برای دستگیری‌اش یک جلیقه بمب‌گذاری شده، داشته که همواره آن را به همراه خود داشت و آن را منفجر کرد، از این رو آمریکا نتوانست تصویر جسدش را پخش کند چرا که تنها چیزی که آمریکایی‌ها در اختیار داشتند، تکه‌های بدنش بود.

نیروهای آمریکا دوم ماه می به مقر اقامت اسامه بن‌لادن در پاکستان حمله کردند و به گفته مسوولان آمریکایی، با شلیک گلوله به سرش وی را کشتند.
اخبار و اطلاعات مختلفی درباره اینکه آیا بن‌لادن مسلح بوده یا نه، منتشر شده است. رئیس‌جمهوری آمریکا به‌ خاطر نگرانی‌هایش از حملات انتقام‌جویانه علیه اتباع آمریکایی با انتشار تصاویر جسد بن‌لادن موافقت کرده بود. دولت آمریکا اعلام کرد که جسد بن‌لادن را به دریای عرب انداخته است. شیوه تعامل آمریکا با جسد و تصاویر بن‌لادن تردیدهای زیادی را درباره نحوه کشته شدن بن‌لادن به همراه داشته است.

توصیه الظواهری به مردم خاورمیانه

همزمان یک وبسایت وابسته به شبه نظامیان پیامی را که به ادعای این سایت مربوط به ایمن الظواهری است منتشر کرد. به گفته این وبسایت، پیام جدید ایمن الظواهری، مرد شماره دو القاعده پیش از مرگ اسامه بن لادن، رهبر القاعده ضبط شده است. به گزارش شبکه س‌ان‌ان الظواهری در این‌ نوار صوتی در مورد «هوج تغییرات» که در تونس، مصر و لیبی رخ داده، سخن گفته است. او همچنین به تحولات یمن نیز اشاره کرده است. ایمن الظواهری از آمریکا به عنوان رهبر دشمنان صلیبی یاد می‌کند. در نوار صوتی مرد شماره دو القاعده آمده است: ناتو یک سازمان با اهداف خیر نیست این سازمان کمکی به قدرت‌های جهان است. ناتو می‌خواهد به فعالیت رژیم معمر قذافی پایان دهد اما پس از آن می‌خواهد ایدéal‌های خود را در لیبی اجرا کند. به دلیل حرص و



سیاست‌های‌شان می‌خواهند منابع لیبی را بدزدند. الظواهری به مردم مصر توصیه کرده که به مردم لیبی در مبارزه‌شان کمک کنند. او گفته است: جنگ امروز در لیبی جنگ این کشور پس از ناکامی در حفاظت از غیرنظامیان در برابر جنایات قذافی است. مرد شماره دو القاعده در ادامه به مصر برای سرنگونی رژیم حسنی مبارک تبریک گفت. پیش از این از ایمن الظواهری به عنوان جانشین بن‌لادن نام برده شده بود اما سیف العدل به عنوان جانشین موقت بن‌لادن معرفی شده است.

گفتنی است ایمن الظواهری که بسیاری پس از کشته شدن بن‌لادن او را رهبر القاعده می‌دانند در جوانی فارغ‌التحصیل رشته پزشکی از مصر شد ولی نهایتاً به عضویت گروه تروریستی حرکت جهاد اسلامی مصر درآمد. پس از ترور انور سادات، رئیس‌جمهور مصر، او و همفرکانش در یکسری عملیات پلیسی و امنیتی در مصر دستگیر و محاکمه شدند. در دادگاه از آنجا که او مستقلاً به زبان انگلیسی بود به عنوان سخنگوی زندانیان جهاد اسلامی مصر انتخاب شد. سخنرانی‌های آتشین الظواهری در دادگاه باعث جلب افکار عمومی نسبت به او شد. الظواهری پس از آزادی از زندان از مصر خارج و به چاداییون عرب که در افغانستان مشغول جنگ با ارتش سرخ شوروی بودند، پیوست. در افغانستان او با اسامه بن‌لادن سعودی آشنا شد و در آنجا بود که شبکه تروریستی القاعده پایه‌ریزی شد. او به عنوان نفر دوم شبکه القاعده همچون اسامه بن‌لادن در ارتباط با حملات تروریستی بسیاری در سرتاسر جهان از جمله بمب‌گذاری‌های هفتم اوت ۱۹۹۸ در سفارتخانه‌های آمریکا در دارالسلام (تانزانیا) و نایروبی (کنیا)، حمله به کشتی جنگی یواس.اس کول (USS Cole)، حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی و بتانگوان و... تحت تعقیب بین‌المللی قرار دارد. هم‌اکنون تصور می‌شود وی در مرز بین افغانستان و پاکستان به سر می‌برد.

ادامه از صفحه اول

■ **القاعده در چه مقطعی به صورت یک سازمان تروریستی درآمد؟**

القاعده در حقیقت یک سازمانی بود که برای مبارزه با سلطه شوری در افغانستان و از بقایای جهاد اسلامی مصر تشکیل شد، البته تعداد زیادی از آنها توسط مبارک اعدام شدند و از مصر رانده شده و به کشورهای دیگر از جمله افغانستان رفتند و یک جنگ آزادی‌بخشی را در افغانستان آغاز کردند و به همین دلیل بود که آمریکایی‌ها هم به این گروه کمک کردند و به همه گروه‌های مبارزی که از سراسر دنیا به افغانستان می‌آمدند تا با شوری بجنگند نیز آمریکا به آنها کمک می‌کرد. برای همین است که ما می‌گوییم آمریکا بزرگ‌ترین کمک را به سازماندهی و تقویت مالی و دادن امکانات به این سازمان در افغانستان کرد. بن‌لادن هم بزرگ‌ترین پشتوانه مالی این تشکیلات بود و چریک‌های مصری هم عملاً کار سازماندهی و تشکیلاتی را بر عهده گرفتند. آنها با ترکیب قدرت مالی بن‌لادن و سازماندهی نظامی و جهاد اسلامی مصر بالاخره توانستند یک سازمان جدید احداث کنند که از همه ملیت‌های دنیا در آن حضور داشتند و بهانه اصلی آنها هم مبارزه با شوروی بود و وقتی این بهانه از بین رفت به کمک طالبان آمدند و طالبان را از نظر مالی، نظامی و اطلاعاتی تقویت کردند و دولت طالبان شکل گرفت.

■ **پس یک طرح استراتژیکی بود؟**

طرح استراتژیک بود و شواهد زیادی است که ملاعمر با عملیات ۱۱ سپتامبر موافق نبود و احساس خطر کرده بود که این اتفاق اگر رخ دهد، در یک جنگ نابرابر با آمریکا شکست بخورد ولی بن‌لادن هرگز حاضر نبود که از همه جفت با طالبان همراه باشد و در نهایت برای عملیات بین‌المللی خودش از ظرفیت افغانستان استفاده کرد.

■ **وزارت اطلاعات بعد از شکل‌گیری القاعده بعد از چه مدت به وجود چنین گروهی پی برد. آیا در طی مراحل خاصی پی بردید؟**

ببینید، القاعده را همه می‌شناختند، ولی این عملیات آنها قابل پیش‌بینی نبود، بله، همه می‌دانستند سازمانی به نام القاعده وجود دارد که بن‌لادن در آن نقش اساسی دارد. همه می‌دانستند القاعده وجود دارد و آمریکا هم می‌دانست. آن چیزی که همه را غافل گیر کرد، عملیات سازماندهی شده ۱۱ سپتامبر بود که همه از آن بی‌اطلاع بودند. بنابراین بعد از ۱۱ سپتامبر در کمتر از ۲۴ ساعت اعلام شد که سازمان القاعده مسوول این عملیات است و معلوم شد که سازمانی به نام القاعده وجود دارد. القاعده بعدها در تمام اروپا و همه کشورها از جمله اندونزی، مالزی و پاکستان نفوذ پیدا کرد. سازمان مالی‌شان در خلیج‌فارس است که به نظر من آنچنان آسیب ندیده است. سازمان مالی آنها در کشورهای مثل امارات و انگلستان و... همچنان فعال است.

■ **در مورد آینده القاعده حتماً صحبت می‌کنیم، ولی شما در مورد ۱۱ سپتامبر و استراتژی جمهوری اسلامی داشتید صحبت می‌کردید...**

با اتفاقی که افتاد همه دنیا غافل گیر شدند و نمی‌دانستند چه موضعی باید بگیرند. جمهوری اسلامی هم احساس خطر می‌کرد، زیرا پیش‌بینی می‌شد جنگ‌هایی در منطقه اتفاق بیفتد و این جنگ‌ها در مرز ایران و در کشورهای همجوار ایران اتفاق می‌افتاد و وقوع هر جنگی به طور طبیعی برای ما زبان‌آور و خطرآفرین بود و ما باید تلاش کنیم که در معرض یک تهدید قرار نگیرم. ما دو نوع تهدید آن زمان احساس می‌کردیم. یک تهدید خود القاعده بود. چون می‌دانید القاعده از ایران به عنوان یک مرز عبور استفاده می‌کرد، چون از ایران می‌توانست به اروپا و عراق برود. ما هم از سوی طالبان باید احساس خطر می‌کردیم و هم از بهانه‌جویی‌هایی که آمریکایی‌ها داشتند و هم نباید در دام یک تروریست قرار می‌گرفتم. همچنین در تهدید یک جنگ بودیم.

■ **راهکار تان برای این موضوع چه بود؟**

شاید بعضی‌ها این سخن من را قبول نداشته باشند که

بزرگ‌ترین خدمتی که در آن زمان شورای‌عالی امنیت ملی

که همه ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها در آن فعال بودند و وزارت اطلاعات هم در آنجا فعال اصلی بود، انجام داد که براساس تدابیر هوشمندانه‌ای که در آن زمان اندیشیده شد و همه پیشنهادها و طرح‌ها به تایید و مدیریت رئیس‌جمهور وقت یعنی جناب آقای خاتمی و بعد به تایید مقام معظم رهبری هم رسید، ایران توانست از هر دو خطر ذکر شده پرهیز کند و نه تنها آسیبی متوجه ایران نشد، بلکه ایران توانست به منافع عظیم و ماندگاری هم دست پیدا کند.

■ **چه منافعی؟**

مسأ تهدید را تبدیل به فرصت کردیم. برای اینکه خطر طالبان، خطر صدام و خطر القاعده که هر سه برای ما مشکل بودند و ما توانستیم از این سه دشمن بگریزیم و تهدید را تبدیل به فرصت کنیم و توانستیم طرفداران مان در عراق به جای طالبان حکومت کنند. امروز نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه باعث حسادت رقبای ما و تمام دشمنان ماست و امروز بدون اینکه القاعده بتواند یک عملیات در ایران انجام دهد، آنها را مهار کردیم و این معنی‌اش این است که ایران درک درستی از تهدیدها داشت و استراتژی درستی هم در برابر تهدیدها اتخاذ کرد. چیزی که دیگران نتوانستند، حتی آمریکا که توانست نظر مردم آمریکا را از تهدیدهای داخلی دور کند، اما در دام جنگ‌ها درازمدت قرار گرفت و اشتباهات بزرگی مرتکب شد و این اشتباهات به نفع ما تمام شد و عدم درک درست آمریکا از تهدید و عدم اتخاذ یک استراتژی از سوی آمریکا برای آنها زیان‌آور بود. چون دشمنان ما را از بین برد

• • • • •

سنگینی را داد و ما به دلیل اینکه درست فهمیدیم و درست عمل کردیم، بیشترین سود را بردیم.

■ **به هر حال اکنون نیروهای نظامی آمریکایی در داخل افغانستان هستند، فکر می‌کنید با توجه به مرگ بن‌لادن آیا اوایاما نیروهای خود را در افغانستان نگه می‌دارد یا کم‌کم خارج می‌کند.**

■ **چون علت حضور نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان مبارزه با تروریسم بود...**

ببینید، مرگ رهبر القاعده به معنای مرگ تروریسم نیست. تروریسم ادامه خواهد داشت. بن‌لادن در القاعده فقط یک شخصیت سمبولیک داشت.

■ **بیشتر تنوری برداز بود...**

بله، بیشتر به خاطر رعایت مسایل امنیتی، مجبور بود به شدت از میدان عمل فاصله بگیرد و برای حفظ خودش مجبور بسود از صحنه عملیات انجام می‌شد و به همین دلیل بن‌لادن خود به خود به یک رهبر کاریزماتیک تبدیل شد. بنابراین مرگ بن‌لادن پایان تروریسم نیست چون سازمان القاعده یک استراتژی برای خود اتخاذ کرده بود که آتش به اختیار باشند.

■ **یعنی چه؟**

سازمان‌هایی که القاعده به راه می‌انداختند آن گونه نبودند که سازماندهی از بالا داشته باشند یا از بن‌لادن دستور بگیرند. بلکه سازمان را که راه می‌انداختند اختیار تام به نیروهای عملیات می‌دادند که خودشان به موقع عمل کنند. این گروه‌ها برخی موارد در جاهایی که تشکیل می‌شدند، حتی برخلاف گروه القاعده هم عمل می‌کردند. گروه‌هایی که در اروپا عملیات انجام می‌دهند، بسیاری از آنها آتش به اختیار هستند و این یک قدرت تحرک بیشتری به سازمان‌های تروریستی القاعده می‌داد، بنابراین به دلیل اتخاذ یک استراتژی آتش به اختیار و ایجاد سازمان‌های خودمختار باعث می‌شود که این سازمان‌های خودجوش به وجود بیایند و در کلان با القاعده هماهنگ شوند، بدون اینکه محدودیتی داشته باشند و همین باعث می‌شود که اینها پرتحرک بمانند و هر روز خودشان را بازتولید کنند.

بعضی‌ها معتقدند القاعده در آینده به دو بخش تقسیم می‌شود، نظر شما در این‌باره چیست؟

القاعده وجه عملیاتی سازمان فکری جهاد اسلامی (جهاد تکفیری) است. یک نهضت فکری در اسلام به وجود آمد که عمدتاً مباحث مربوط به ایدئولوژی را دنبال می‌کنند که گروه‌های تندرو تکفیری دنیای اسلام را شامل می‌شود که بیشتر در عربستان، پاکستان، افغانستان و شبه قاره هند هستند و عمده مدارس، مساجد، دانشگاه‌های عربستان و پاکستان را برعهده دارند که یک اسلام تکفیری و افراطی را ترویج می‌کنند. این موضوع ریشه‌های عمیق تاریخی دارد و جنایات آمریکا و اسرائیل در منطقه و حکومت‌های استبدادی در کشورها، بهانه‌ای برای رشد افکار افراطی اسلامی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی که با تمسک به اسلام توانست یک ضربه اساسی به آمریکا بزند و دست اسرائیل را در ایران قطع کند و یک نهضت اسلامی را در سراسر دنیا راه بیندازد، این موضوع سبب شد در دنیای اسلام تمایل شدیدی به سمت ایران، اسلام و امام خمینی ^(۲) صورت پذیرد و امام خمینی ^(۳) یا ویژگی‌های آمریکاستیزی و اسرائیل‌ستیزی که داشت، محبوب‌ترین شخصیت در دنیای اسلام قرار گرفت. آمریکایی‌ها باز هم یک اشتباه استراتژیک برای مهار انقلاب اسلامی مرتکب شدند که آمدند گروه‌های تندرو اهل سنت، جریان تکفیری و چریکی را در رقابت با انقلاب اسلامی تقویت کردند. امام با جنگ چریکی مخالف بود. امام ^(۴) مدل مبارزه‌اش، مبارزه مرمی بود، یعنی از همه دنیای اسلام دعوت می‌کرد که ملت‌ها قیام کنند، یعنی همان کاری که اکنون در مصر، یمن، بحرین و لیبی اتفاق افتاده

• • • • •

که این حرکت‌ها را می‌توان پاسخ به ندای تاریخی امام دانست، زیرا این حرکتی که در منطقه آغاز شده است

آزوی امام بود. قتل بن‌لادن در زمانی اتفاق افتاد که دیگر احتیاجی به این گروه‌های تروریستی احساس نمی‌شود، چون مردم راه خود را پیدا کرده‌اند و مرگ تاریخی جریان تروریستی فرا رسیده است. همان طور که مرگ تاریخی جریان استبداد هم فرارسیده است و این دو از هم تاثیر می‌گیرند و کاملاً به یکدیگر کمک می‌کنند، زیرا در یک جریان استبداد است که یک گروه تروریستی شکل می‌گیرد و وقتی ملتی حرکت کند و استبداد را بشکند، خود به خود دیگر نیازی به حضور آمریکانیست و شکست جریان تروریستی نه به دلیل مبارزه آمریکا با آنهاست بلکه به دلیل نهضت ملت‌هاست.

وقتی مردم مصر حرکت می‌کند و با هوشیاری بسیار بالایی و

با کمترین تلفات مبارک را بر کنار می‌کند، مصر الگویی برای

مبارزه برای کشورهای منطقه می‌شود و دیگر نیازی نیست که

گروه‌های تروریستی در آنجا پیدا شوند.

■ **فکر نمی‌کنید پیروزی زودهنگام مردم مصر به خاطر این بود که ارتش مقابل مردم ایستاده‌گی نکرد.**

بله، همین‌طور است. قطعاً در خیزش مردم منطقه همه کشورهای اطراف و همه دنیا تلاش می‌کنند منافع خود را حفظ کنند. خاستگاه اصلی این نهضت‌ها خاستگاه ملی و اسلامی است یعنی از شعارهایی که می‌دهند معلوم است انگیزه‌های دینی و ملی قوی وجود دارد. البته ما نمی‌خواهیم بگوییم که اینها می‌خواهند حکومت دینی تشکیل بدهند اما حرکت آنها بسیار الهام‌گرفته از ارزش‌های دینی است، بدون اینکه داعیه تشکیل حکومت دینی داشته باشند. از سوی دیگر آمریکایی‌ها پس از گنجی چند روزه متوجه شدند که دیگر تاریخ مصرف «مبارک» تمام شده و باید به فکر حفظ منافع خود باشند، به همین دلیل آمدند و از نفوذ زیادی که در ارتش مصر داشتند، ارتش را نجات دادند که با مردم درگیر نشدود زیرا اگر با مردم مصر درگیر می‌شد، حتماً به سرنوشت ارتش زمان شاه ایران گرفتار می‌شد. به همین دلیل آمریکایی‌ها زود وارد شدند و نگذاشتند مبارزات مردم وارد مرگ مر آمریکا بشود.



عکس: آیدین رهبر، شرق

گفت‌وگوی شرق با حجت‌الاسلام علی یونسی

روایت وزیر اطلاعات دولت اصلاحات از «بن لادن»

■ **آقای یونسی، شما گفتید مرگ بن‌لادن پایان تروریسم نیست اقدامات القاعده را در برابر از بین بردن بن‌لادن چگونه پیش‌بینی می‌کنید، آیا در کوتاهمدت دست به اقدامات تلافی‌جویانه‌می‌زنند؟**

حتماً همینطور است. القاعده یک سازمان گسترده‌ای است که با چند ۱۰ هزار عضو در سراسر جهان که در همه جا هستند، ادامه خواهد داشت و حتماً دست به اقدامات تلافی‌جویانه خواهد زد اما مطمئناً به نتیجه نمی‌رسد. برای اینکه نهضتی که با زور خواهد به نتیجه برسد هیچ‌گاه به نتیجه نخواهد رسید. در ایران هم نگاه کنید، همه گروه‌های تروریستی که بیش از ۱۰۰ گروه تروریستی بودند در تاریخ مبارزاتی خود هیچ کدام به نتیجه نرسیدند، چه در زمان مشروطه و چه در دوران‌های بعدی. کلاً رفتار خشونت‌آمیز چه از طرف دولت و چه از طرف مردم باشد، به نتیجه نمی‌رسد. خشونت در هیچ کجا جواب نمی‌دهد، روش باید کاملاً مردمی باشد و این علت یکی از علت‌های عمده شکست القاعده در اقدامات تلافی‌جویانه احتمالی خواهد بود و علت دیگر هم اینکه اصولاً با ظهور انقلاب‌های جدید در منطقه، انگیزه‌ای برای پیوستن به آنها وجود ندارد.

■ **باری گروه‌های القاعده هم کمتر می‌شود؟**

به دلیل اینکه آنها اسلامی را معرفی می‌کنند که اسلام خشونت‌طلبی است و تبلیغ آن لطمه جبران‌ناپذیر به اسلام‌زده و باعث می‌شود که دشمنان هم بهانه‌ای برای سرکوب آنها پیدا کنند، سبب شده ملت‌های مسلمان انگیزه‌ای برای همکاری با آنها نداشته باشند. بنابراین این گروه دیر یا زود از بین می‌روند نه اینکه وجود نداشته باشند اما دیگر نمی‌توانند خطر عمده‌ای داشته باشند، مثل گروهک تروریستی مجاهدین خلق که آسیب‌ها و ضرایع زیادی به امنیت ملی ما زدند؛ شخصیت بزرگی را از ما گرفتند ولی در نهایت خودشان را از بین بردند و امروز هم به عنوان یک گروه بدبخت و اسیر قرار گرفتند و هیچ کشوری حاضر نیست آنها را بپذیرد. نتیجه مبارزه مسلحانه همین است. خیلی از گروه‌های سیاسی هستند که مخالف بودند ولی چون ماهیت کارشان ماهیت خشن نبوده بالاخره مانده‌اند که یکی از آنها نهضت آزادی‌است. آنها مبارزات قانونی انجام می‌دهند، اگرچه ممکن است قانون اساسی را قبول نداشته باشند اما به مبارزات مسلحانه روی نیاروندند و همین باعث ماندگارشان شده است. ■ **برگردیم به بحث پاکستان، ISIاز مغفیکه‌گاه بن‌لادن مطلع‌بود؟**

من معتقدم سرویس اطلاعاتی پاکستان، هم در نگهداری بن‌لادن کاملاً نقش داشت و هم در لو دادنش. سرویس اطلاعاتی پاکستان یک سرویس اطلاعاتی بسیار پیچیده‌ای است و هیچ وقت با مسوولان و همسایه‌های خود صادق نبوده است. گروه‌های تروریستی و افراطی از قدیم در این نفوذ داشتند و نفوذ آنها برای سیاستمداران پاکستان درسر شد. ISI گرفتار فرقه‌گرایی است. دولتمردان پاکستان حریف سازمان اطلاعاتی خود نمی‌شوند و خیلی وقت‌ها مقامات سیاسی توسط ISI ترور شدند. امکان ندارد فردی به نام بن‌لادن در پاکستان باشد و IISIباخبر نباشد و حرفی کاذب‌کنانه است که همه می‌خندند.

■ **درباره رهبری آینده گروه القاعده گزینه‌های متعددی را مطرح می‌کنند ولی برخی معتقدند شانس «ایمن الظواهری»بیشتر از همه است...**

ببینید، عملاً مدت‌هاست که رهبری القاعده را «ایمن الظواهری» در عهده دارد و همان‌طور که گفتم «بن‌لادن» یک رهبر سمبولیک بود و عملاً «ایمن الظواهری» رهبر اصلی بوده است. «ایمن الظواهری» هم رهبر عملیات بود و هم شخصیتی تحصیل کرده است. باید در اینجا یک نکته را بگویم و این که اشتباه «بن‌لادن» این بود که در یک مدت طولانی در یک جا متوقف شد ولی این اشتباه را «ظواهری» هرگز مرتکب نشد. بن‌لادن ۱۰ سال است که در یک جا متوقف شده‌اند، در حالی که احتیاط می‌کرد از هیچ وسیله ارتباطی استفاده نکنند، نه از تلفن نه از اینترنت.

گزارش

هشدار اوایاما درباره تکرار عملیات شکار بن لادن

■ رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌گوید: اگر آمریکا باخبر شود که یکی دیگر از رهبران القاعده در پاکستان پناه گرفته است، بار دیگر در عملیاتی مشابه آنچه برای از میان بردن بن‌لادن دنبال شد، به طور یک‌جانبه وارد عمل می‌شود. باراک اوایاما، در گفت‌وگو با شبکه خبری بی‌بی‌سی در پاسخ به اینکه اگر یکی دیگر از رهبران القاعده، به عنوان مثال ملا عمر، در پاکستان یا جای دیگری ردیابی شود چه خواهد کرد، افزود: ایالات متحده در صورت لزوم به طور یک‌جانبه دست به عمل خواهد زد. اوایاما با اشاره به اینکه وظیفه دولت او، حفظ امنیت ایالات متحده است، گفت: آمریکا برای حق حاکمیت پاکستان احترام بسیار بالایی قابل است، اما نمی‌تواند در مقابل فردی که در تلاش است مردم آمریکا و مردم پاکستان را از میان ببرد، دست روی دست بگذارد. نیروهای ویژه ارتش آمریکا بامداد ۱۲ اردیبهشت در یک عملیات کم‌اندوپی اسامه بن لادن، رهبر شبکه القاعده را در ایب‌آباد پاکستان به قتل رساندند که این اقدام موجب شد روابط میان ایالات متحده و پاکستان که سال‌ها در مبارزه با تروریسم با یکدیگر همسکری کرده‌اند، به تیرگی بگراید. از یک‌سو، حضور چند ساله بن‌لادن در خاک پاکستان و در شهری نزدیک به اسلام‌آباد، گمانه‌زنی‌هایی را میان آمریکاییان در مورد امکان حفاظت برخی از نیروهای امنیتی پاکستان از بن‌لادن موجب شد. این در حالی است که پاکستان این اتهامات را به شدت رد کرده است. از دیگر سوی، اسلام‌آباد نیز اقدامات یک‌سویه ایالات متحده را به منزله نقض حاکمیت پاکستان دانست. پارلمان پاکستان، ۲۴ اردیبهشت‌ماه «اقدامات یک‌جانبه» نظیر حمله به منزل بن لادن در شهر ایب‌آباد پاکستان را «غیر قابل قبول» دانست و از دولت خود خواست برای حفاظت از منافع ملی پاکستان در روابط خود با ایالات متحده تجدید نظر کند. با این‌حال، باراک اوایاما تأکید می‌کند که دولت او نمی‌تواند منتظر بماند تا تلاش‌های گروه‌هایی نظیر القاعده علیه مردم به بارنشیند. رئیس‌جمهور ایالات متحده که دیروز عازم دیدار از چند کشور اروپایی شد تا در مورد مسایلی نظیر رکود اقتصادی اروپا، تحولات خاورمیانه و آفریقای شمالی و همچنین جنگ افغانستان سخن بگوید، در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی، بحث مذاکره با طالبان را نیز به میان کشید. پیشتر روزنامه واشنگتن به نقل از یک مقام رسمی پاکستان گزارش کرده بود که آمریکا در چند وقت اخیر باب مذاکره مستقیم با طالبان را باز کرده و قصد دارد از طریق گفت‌وگو، شبه نظامیان طالبان را به پایان



دادن به خشونت‌ها در افغانستان ترغیب کند. اوایاما در این مورد ضمن تأکید بر اینکه اختلافات از طریق نظامی به تملی از میان نخواهد رفت، گفت: حضور نیروهای نظامی در منطقه در این مدت شرایط را مهیا کرده و طالبان اکنون آمادگی دارند تا به آشتی سیاسی با دولت افغانستان روی بیاورند. او در این زمینه به طور واضح به «مذاکره» با طالبان اشاره کرد و افزود: «طالبان باید تمامی ارتباط خود با القاعده را قطع کرده، از خشونت دست بکشند و به قانون اساسی افغانستان احترام بگذارند.» طالبان طی سال‌ها پیش از سرنگونی طالبان‌های افغان مورد حمایت آمریکا در سال ۲۰۰۱ به بن لادن در افغانستان پناه داده بودند. به نوشته واشنگتن پست، با افزایش خشونت‌ها در افغانستان و از میان رفتن حمایت مردم از ادامه نبردها، کشورهای غربی به این نتیجه رسیدند که از تلاش‌های حامد کرزای، رئیس‌جمهور افغانستان در زمینه یافتن راهی برای آشتی با طالبان حمایت به عمل آورند. مجورهای اصلی مطرح شده از سوی اوایاما در این گفت‌وگو که موضوعات زیادی، از وضعیت اقتصادی آمریکا تا مذاکرات صلح خاورمیانه را پوشش می‌داد، عبارت بودند از:

- تأکید کرد که مرزهای ۱۹۶۷ میان اسرائیل و فلسطین باید مبنای مذاکرات برای تشکیل یک کشور فلسطینی در آینده باشد.
- قیام‌های مردمی در خاورمیانه را ستایش کرد و گفت: از آنجا که مردم بدون توسل به خشونت برای دموکراسی مبارزه می‌کنند، آمریکا «به شدت از تلاش‌های آنها حمایت می‌کند.»
- اقتصاد آمریکا را به عنوان «ولایت شماره یک» خود در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۲ معرفی کرد.
- موفقیت‌های داخلی در زمینه بهداشت و خدمات درمان، آموزش و انرژی پاک را ستود.
- اذعان کرد که آمریکا در زمینه مهاجرت و قوانین مربوط به انرژی، کارهای ناتمامی دارد.